

مقاله پژوهشی

تحلیل تشبیه و مواد تصویرسازی در قصاید قآنی

احمد خلیلی^{*}، حجت‌الله اسماعیل‌نیا گنجی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

سال هجدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۰، صص ۲۸۲-۲۶۳

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7874>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از مهمترین ابزارهای زیبایی شعر، تشبیه است که از دیرباز تاکنون بعنوان پرسامدترین عنصر شعری مطرح بوده است. تشبیه، در واقع نوعی تجربه شعری است که شاعر در آن به کمک ذهن خود، بین دو پدیده که به ظاهر نسبتی با هم ندارند، تناسبی ایجاد میکند. این موضوع در واقع نشانگر قدرت تخیل ذهن سرایندگان است. قآنی از شاعران خلاق است که در شعر خود از تمام هنرهای بیانی بویژه تشبیه برای بروز هنر و خلاقیت خود استفاده کرده است. این مقاله درصدد است انواع تشبیه و مواد سازنده آن را در بیست قصیده قآنی واکاوی کند.

روشها: پژوهش پیش‌رو، مطالعه‌ای نظری است که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است و با تحلیل آماری به واکاوی انواع تشبیه پرداخته است. محدوده و جامعه مورد مطالعه ۲۰ قصیده مشهور قآنی است که فهرست مطلع آن در مقدمه آمده است.

یافته‌ها: قآنی در تشبیهات خود از مواد تصویری گوناگونی بهره برده است. در تصویرسازی‌های او نمیتوان جنبه خاصی را برجسته و هنر او را در آن محدود کرد. او در استفاده از همه ابزارهای تصویری شعر تجربه دارد و در شرایط مختلف از آن ابزارها برای زیبایی‌آفرینی و خلق تصاویر بهره برده است.

نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر این است که او بیش از هر عنصری به تشبیه اهمیت میدهد و بویژه تشبیهات حسی که از طبیعت و جلوه‌های گوناگون آن بهره میبرد، در شعر او بسامد فراوانی دارد.

تاریخ دریافت: ۰۴ بهمن ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۰۵ اسفند ۱۴۰۳
تاریخ اصلاح: ۲۰ اسفند ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۰۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

تشبیه، تصویر، قآنی،

قصاید.

* نویسنده مسئول:

ahmad_khalili64@cfu.ac.ir

۹۸۹۰۹۷۳۰ (۲۱ ۹۸۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of similes and imagery in Qaani's odes

A. Khalili*, H. Esmailnia Ganji

Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 23 January 2025
Reviewed: 23 February 2025
Revised: 10 March 2025
Accepted: 27 April 2025

KEYWORDS

Simile, image, Qaani, odes.

*Corresponding Author

✉ ahmad_khalili64@cfu.ac.ir

☎ (+98 21) 77309890

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the most important tools of poetic beauty is simile, which has long been considered the most frequent poetic element. Simile is actually a type of poetic experiment in which the poet, with the help of his mind, creates a proportion between two phenomena that are apparently unrelated. This issue actually indicates the power of imagination of the poets. Qaani is one of the creative poets who has used all the expressive arts, especially simile, in his poetry to express his art and creativity. This article seeks to analyze the types of simile and its constituent materials in twenty of Qaani's odes.

METHODOLOGY: The present study is a theoretical study conducted using a library research method and has analyzed the types of similes through statistical analysis. The scope and population of the study is 20 The famous ode of Qaani, the list of sources of which is given in the introduction.

FINDINGS: Qaani has used various visual materials in his similes. In his illustrations, it is not possible to highlight a specific aspect and limit his art to it. He has experience in using all the visual tools of poetry and has used those tools in different situations to create beauty and images.

CONCLUSION: The result shows that he attaches more importance to simile than any other element, and especially sensory similes that benefit from nature and its various manifestations are very frequent in his poetry.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7874>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 19	 5	 0

مقدمه

میرزا حبیب قانّی یکی از شاعران نام‌آور سبک بازگشت ادبی است که دارای قصاید مدحی فراوانی است. آنچه که درباره سبک شعر او جای تأمل دارد، نگاه منتقدان بشعر قانّی است. منتقدان در نقد شعر و سبک شاعری حکیم قانّی دو رویکرد کاملاً متناقض داشته‌اند؛ گونه‌ای که برخی از او بعنوان شاعری صاحب سبک و دارای مکتبی مستقل یاد کرده‌اند و در مقابل عده‌ای از او بعنوان شاعری مقلد و مداحی متملق نام برده‌اند. از جمله کسانی که از شعر قانّی به نیکی یاد کرده، ملک‌الشعرای بهار است که در اینباره مینویسد: «قانّی از آن پس که پیروی مکتب صبا را پذیرفته و در این معنی زیر بار نفوذ زمانه رفته بود، شروع به تتبع در طرز متقدمان کرد و از غالب اساتید قدیم تقلید نمود و عاقبت سبکی خاص که از آن پس به سبک قانّی شهرت یافت، برگزید و بالجملة مکتبی از برای خود برگشود که تا دیری شعرای تهران و ولایات ایران بتقلید او شعر میگفتند.» (بهار، ۱۳۳۲) هیری، مصحح دیوان قانّی، نیز عقیده دارد: «قانّی را میتوان بعد از صائب تبریزی معروفترین شاعر ایران در تمام دوره صفوی و قاجار شمرد و شاید در طراز سخن و خوبی و وصف و انتخاب کلمات و استعمال لغات و تتبع اشعار قدما کمتر کسی از سخنگویان این دوره با او برابری تواند کرد.» (هیری، ۱۳۶۳: مقدمه دیوان حکیم قانّی شیرازی) در مقابل برخی به نکوهش شعر او میپردازند. شمس لنگرودی مینویسد: «هیچکس و هیچ چیز برای قانّی ارزش نداشت. همه و همه چیز برای او وسیله گذران زندگی بود و همین امر سبب شد که برای هر کس و ناکس شعر بگوید و زرش را صرف عیش و نوشش کند. هر چند مدح در ذات خود چیزی جز دروغ و چاپلوسی و تزویر و تملق نیست، اما از اصول مداحان تاریخ همیشه یکی این بوده که به هر حال بین مدح و ممدوح تناسب وجود داشته باشد. قانّی این اصل ترمزکننده و تعادلیخش را نیز نادیده گرفت و هر جانوری را به مرتبه قداست رساند، چون اصلاً قانّی اعتقادی به هیچکس نداشت. او فرصت‌طلبی بود که مترصد استفاده از اوضاع بود.» (شمس لنگرودی، ۱۳۷۲: ص ۲۲۸) یا ناقدی دیگر با بیانی انتقادی و کوبنده عقیده دارد: «درباره قانّی که تا یک نسل پیش از شهرتی بیجا برخوردار بوده است بسیار سخن گفته‌اند و باز میتوان سخن گفت. مثلاً میتوان گدابعی و تلون و بی‌آزرمی او را نکوهید. در دیوان پرحجم او مضامین بکر بسیار کم است، نکته‌های لطیف و ترکیبات و ابداعاتی که در آن میتوان سراغ کرد همه ساخته و پرداخته گذشتگان است و او با بی‌پروایی یک میراث‌خور اسراف‌پیشه آن همه سکه‌های رایج را بجا و بیجا و در حثیث غالباً بیجا مشت مشت، در مدح این و آن افشاند و به هدر داده است.» (صفائی، ۱۳۳۶)

اما آنچه که در واقع هنر اصلی قانّی است و مایه اشتها شاعر گردیده، این است که او نقاش چیره‌دست طبیعت است و وصفهای روشن و جاندار با تشبیهات ساده و دلنشین او را در شعر پارسی بلند آوازه ساخته است. آراین‌پور مینویسد: «تغزل و تشبیب یعنی وصف یار و جلوه‌های گوناگون طبیعت مضامینی است که صدها شاعر فارسی زبان پیش از قانّی و بعد از او در صدر قصاید و مدایح خود آورده و در هر باب داد سخن داده‌اند. اما این تغزل و تشبیب در شعر قانّی غالباً بقدری بدیع و نغز و ابتکاری و بخصوص ترکیب کلام او چنان گیرا و گیج‌کننده است که هنگام قصاید او اسلاف وی همه فراموش میشوند. چنانست که گویی قانّی نخستین کسی است که این شیوه زیبا و رنگین و این تعبیرات تند و صبورانه را بکار بسته است.» (آراین‌پور، ۱۳۸۷: ۹۷)

اینکه می‌بینیم در ادوار مختلف شعر پارسی، بعضی شاعران شهرت بیش‌تری یافتند باین دلیل است که در بیان تخیلات خویش، خلاقیت ویژه‌ای از خود نشان داده‌اند. میرزا حبیب قانّی یکی از این شاعران خلاق است که شعر خود را در چارچوب تعیین‌شده سخنوران محدود نکرده است و از تمام هنرهای بیانی بویژه تشبیه برای بروز هنر

و خلاقیت خود استفاده کرده است. در تصویرسازی‌های قافائی نمیتوان جنبه خاصی را برجسته و هنر او را در آن محدود کرد. او در استفاده از همه انواع تشبیه تجربه دارد و در شرایط مختلف از آن ابزارها برای زیبایی آفرینی و خلق تصاویر بهره برده است.

این پژوهش ضمن واکاوی تشبیه در بیست قصیده قافائی، بعنوان ویژگی سبکی خاص شاعر، با بررسی آماری، ابتکار عمل قافائی را در بکارگیری آن، عامل موثری در تمایز شعر او با شعر دیگر شاعران میداند. محدوده پژوهش حاضر نیز بیست قصیده از سروده‌های قافائی است. این قصاید بصورت ذوقی از دیوان شاعر ب تصحیح ناصر هیری انتخاب شده است. نام و مطلع قصاید مورد بررسی عبارتند از: ۱- در مدح نواب شاهزاده فریدون میرزا فرمانفرما: ای رفته پی صید غزالان سوی صحرا// باز آ بسوی شهر پی صید دل ما، ۲- در مدح حضرت رضا علیه‌السلام: به گردون تیره ابری بامدادان برشد از دریا// جواهر خیز و گوهرریز و گوهربیز و گوهرزا ۳- در وصف نامه پادشاه محمدشاه غازی گوید: شکسته خامه آذرگسسته نامه قسطا// چه خامه خامه خسرو چه نامه نامه دارا ۴- فی مدح سلطان محمد شاه غازی: عید شد ساقی بیا در گردش آور جام را// پشت پا زن دور چرخ و گردش ایام را ۵- در مدح میرزا سلیمان: اگر مشاهده خواهی فروغ یزدان را// به صدر فضل نگر میرزا سلیمان را ۶- هنگام نهضت عباس‌شاه غازی از خراسان و ماندن محمدشاه فرماید: آنچه من بینم به بیداری نبیند کس به خواب// زان که در یک حال هم در راحت هم در عذاب ۷- در منقبت علی بن ابیطالب صلوات‌الله علیه فرماید: دوشم مگر چه بود که هیچم نبرد خواب// پروین به رخ فشاندم تا سر زد آفتاب ۸- در مدح شاهزاده حسنعلی میرزا فرماید: گرفت عرصه گیتی شمیم عنبر ناب// زگرد خاک سرکوی میرعرش جناب ۹- در ستایش شاهزاده حسنعلی فرماید: ای به از روز دگر هر روز کارت// باد بهروزی قرین روزگارت ۱۰- وله ایضاً فی مدحه: باز این تویی شها که جهان مستخرست// بر تارکت ز مهر جهانتاب افسرست ۱۱- در ستایش فریدون میرزا فرماید: ماهم ز در درآمد و بر من سلام کرد// مشکوی من ز طره خود مشک‌فام کرد ۱۲- در ستایش شاهزاده کیوان: سحر بشیر ملکزاده اردشیر آمد// مرا دوباره به پستان شوق شیر آمد ۱۳- در ستایش شاهزاده نواب فیروز میرزا فرماید: آنچه با برگ درختان ابر نوروzy کند// با تهیدستان کف فیاض فیروزی کند ۱۴- در ستایش نور حدیقه احمدی فاطمه اخت علی بن موسی علیه‌السلام: ای به جلالت ز آفرینش برتر// ذات تو تنها به هر چه هست برابر ۱۵- در منقبت مولانا علی بن ابیطالب علیه‌السلام و ستایش ناصرالدین‌شاه: اسلام شد مشید و دین گشت استوار// از بازوی یدالله و از ضرب ذوالفقار ۱۶- در ستایش رواق امام علی بن موسی الرضا و تاریخ سال تعمیر و نگارش آن: زهی به منزلت از عرش برده فرش تو رونق// زمین ز یمن تو محسود هفت‌کاخ مطبق ۱۷- در ستایش حسین‌خان نظام‌الدوله گوید: بیا و ساغر می کن ز باده مالامال// که ماه روزه به حسرت گذشت نالانال ۱۸- در مدح کامران میرزای مرحوم ابن فتحعلی شاه گوید: ز یک غمزه ربوده دل ز من آن ماه سیمین‌تن// بود چشمان جادویش چو چشم آهوان پر فن ۱۹- و له فی المدیحه: صبح برآمد به کوه مهر درخشان// چرخ تهی گشت از کواکب رخشان ۲۰- در مدح هژبر سالب علی ابن ابیطالب علیه‌السلام گوید: شبی گفتم خرد راکای مه‌گردون دانایی// که از خاک قدومت چشم معنی یافت بینایی.

پیشینه تحقیق

هیچ کتاب یا پژوهش مستقلی پیرامون بررسی صورخیال در قصاید قافائی شیرازی صورت نگرفته است؛ اما برخی از پژوهشگران در بخشهایی از آثارشان بصورت پراکنده و جزئی به برخی از این عناصر اشاراتی داشته‌اند:

ابراهیمی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحقیقی در صور خیال شعر دوره بازگشت ادبی» به بررسی صور خیال در شعر شاعران دوره بازگشت پرداخته است. نگارنده در این مقاله، بصورت بسیار مختصر، با اشاره‌ای به صورخیال در شعر قانّی، او را بعنوان یکی از مهمترین شاعران در حوزه استفاده از صور خیال دانسته است. آراین‌پور (۱۳۸۷) در بخشی از کتاب «از صبا تا نیما» به بررسی زندگی و شعر قانّی پرداخته است. مؤلف در این اثر بیشتر به محتوای شعرهای او نظر داشته و در برخی موارد اشاراتی به قدرت شاعر در حوزه زبان و صورخیال کرده است. آیدانلو (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «آشناترین شاعر ادب فارسی با شاهنامه» به بررسی تصاویر برگرفته از شخصیت‌های شاهنامه‌ای در اشعار قانّی پرداخته است. نگارنده وفور تلمیحات و تصاویر اسطوره‌ای شاهنامه را در آثار قانّی نشانگر توجه فراوان این شاعر به اثر گرانقدر فردوسی دانسته است. شوبکلانی و خلیلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی زیبایی‌شناختی قصیده رضویه قانّی» به واکاوی عناصر زیبایی‌شناختی در قصیده مورد نظر پرداختند. نگارندگان در این مقاله اشاره‌ای کوتاه به برخی از ابزارهای صور خیال چون؛ تشبیه، استعاره و کنایه در این چکامه مدحی داشته‌اند.

نوآوریها و تقلیدها

یکی از نکات مهم در بررسی تشبیهات شاعر جنبه ابتکاری یا تقلیدی بودن صورخیال است. با نگاهی گذرا به دیوان حجیم قانّی براحتی قابل ملاحظه است که با توجه به نگاه تقلیدی سبک بازگشت طبعاً دامنه تقلیدی بودن تصاویر و تشبیهات در شاعران این سبک گسترده است و بسیاری از شاعران مکتب بازگشت در سروده هایشان چه در حوزه محتوا و چه در تخیل ریزه‌خوار شاعران بزرگ گذشته بوده‌اند ولی در بعضی از شاعران شاخص این مکتب چون قانّی دامنه این تاثیرات و تقلیدات در حد اعتدال است و شاعر در کنار بسیاری از تصاویر و تشبیهاتی که از گذشتگان بهره برده است در این راه ابتکاراتی نیز دارد. بدون تردید یکی از دلایل بزرگی قانّی در میان شاعران بزرگ سبک بازگشت همین جنبه‌های نوآورانه در اندیشه‌ها و تصاویر شعری اوست. موضوعی که استاد آراین‌پور به آن اشاره کرده است و در کتاب خویش در وصف قانّی او را شاعری با توصیف و تشبیب غالباً بدیع و نغز و ابتکاری معرفی میکند (آراین‌پور، ۱۳۸۷: ۹۷).

بدین ترتیب قانّی در هنر تشبیه جایگاهی ویژه دارد. او که با دیوان شاعران گذشته، بویژه سبک خراسانی و عراقی، بخوبی آشنا بود، در خلق تصاویر شعری، گاه به تقلید از پیشینیان پرداخته و گاه نوآوری‌هایی بدیع از خود نشان داده است. در زمینه تقلید، قانّی بسیاری از مضامین و تشبیهات رایج در شعر کلاسیک فارسی را تکرار میکند؛ برای مثال، تشبیهات سنتی چون تشبیه چهره معشوق به ماه، یا موی او به مشک و عنبر، در اشعار قانّی نیز بسیار دیده میشود. این تقلید، بخشی از ذوق سنتی او و پایبندیش به معیارهای کلاسیک ادب فارسی است. اما نوآوری‌های قانّی در تشبیه، بیشتر زمانی رخ میدهد که او تحت تأثیر تحولات اجتماعی، علمی و فرهنگی عصر خود قرار میگیرد. قانّی که با علوم جدید مانند ریاضیات، نجوم و فلسفه آشنایی داشت، گاهی واژگان و تصاویری علمی را وارد شعر میکند و تشبیهاتی می‌آفریند که در شعر پیشینیان کمتر دیده میشود. مثلاً در برخی اشعار، ستارگان و اجرام آسمانی را با دقت علمی وصف میکند یا ابزار و مفاهیم جدید زمان خود را در تشبیهات می‌گنجاند. از دیگر ویژگی‌های نوآوری او، پیچیدگی و چندلایه بودن تشبیهات است؛ گاه قانّی در یک بیت، چندین تصویر مرتبط را درهم می‌آمیزد و فضایی چندوجهی می‌آفریند که نشانگر تسلط او بر زبان و تخیل شاعرانه است.

در مجموع، قآانی در عرصه تشبیه، هم‌میراثدار سنت ادبی فارسی است و هم شاعری است که در چارچوب آن سنت، دست به تجربه و نوآفرینی زده است. بنظر میرسد این ترکیب میان تقلید و نوآوری، یکی از عوامل تداوم محبوبیت آثار او در تاریخ ادبیات فارسی به شمار می‌آید.

تشبیه در قصاید قآانی

تشبیه را باید هسته مرکزی تخیل شاعرانه محسوب کرد که مایه گرفته از شباهتی است که قدرت خیال شاعر در پیوند اشیاء، پدیده‌ها و عناصر ایجاد میکند و آنها را در چارچوب ارتباطات هنری به صورتهای مختلف به تصویر میکشد (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴). تشبیه ادعای همانندی دو چیز است که در بعضی از ویژگیها دارای وجوه مشترکی باشند و بالطبع این عناصر اختلافاتی هم خواهند داشت. بسیاری از ادبا بر این عقیده‌اند که هرچه وجوه اختلاف بین دو چیز بیشتر باشد تشبیه کردن آنها به همدیگر ارزش هنری بیشتری دارد. تعریف فوق از تشبیه این موضوع را تأیید میکند چون واژه «ادعا» در این تعریف یعنی اینکه میتوانند وجه شباهت بسیار کم باشد یا خیلی روشن نباشد و وجه شباهت آنها فقط در ذهن و خیال کسی به تصویر درآید و دیگری آنها بپذیرد یا نپذیرد. چون تصویر حاصل امری ادعایی است و بنای آن بر کذب استوار است، آنکسی که تصویر خیالی ادعایی را میپذیرد یا برای احترام بسازنده آن است یا خود به تصویر ذهنی مشابهی رسیده است. اما آنکسی که آنها نمی‌پذیرد قدرت ذهنی درک آنها ندارد. بنابراین در مورد تشبیه و تصاویر حاصل از آن در مورد شاعران و مخاطبان اینگونه میتوان گفت که همانگونه که شاعران استعدادهای ذهنی متفاوتی دارند، «لذتی که مردم از انواع تشبیه میبرند بیگمان لذتی مساوی نیست. بسیاری از تشبیهات که برای یک تن ممکن است شیرین و لذتبخش باشد، برای دیگری ممکن است سطحی و بی‌ارزش و غیرهنری جلوه کند.» (اردلان‌جوان، ۱۳۷۳: ص ۲۲) بدین سبب بعضی از شاعران در دوره‌ای مورد اقبال عام و خاص بودند و گروهی دیگر مهجور شده و هیچ استقبالی از شعر آنها نشده است.

از این نظر میتوان اقبالی را که به شعر قآانی شده، تا حدودی ناشی از تشبیهات زیاد و متنوعی دانست که در سروده‌های او دیده میشود. تشبیهاتی که حاصل کشف درونی شاعر در پیوند عناصر طبیعت است: «کشف حوزه‌های تازه‌ای در صورتهای خیال و نگاه تازه شاعر بامور اطراف و اشیاء سبب بهره‌گیری از تصاویر شاعرانه‌ای است که گاه حاصل شهود درونی شخص شاعر است و کسی جز او پدیده‌ها و اشیاء را آنگونه نخواهد دید» (حسینعلی زاده و دیگران، ۱۴۰۴) قآانی از این ابزار بیانی بخوبی استفاده کرده و در اشعارش از تشبیهات گوناگون و زیبا سود برده است. حجم بیشتر صورخیال اشعار او را تشبیهات تشکیل میدهند که در ادامه به نمونه‌هایی اشاره میشود:

از آهوی سیمین بتان بگزین آهوی زرین	تا خانه چو مینو کنی از شاهد و مینا
(دیوان قآانی: ۴۷)	
تیغت عجباً هیچ بگویم به چه ماند	برقی‌ست علی الله نه که مرگی‌ست مقاجا
(همان: ۴۸)	
سطور او همه تابان چو دست موسی عمران	نقوش او همه رخشان چو صدر صفه سینا
	(همان: ۵۹)
خضم بگریزد ز سهمش آری آری اشکبوس	چون کشد گرز گران دل بگسلد رهام را
	(همان: ۶۵)

تشبیه به اعتبار حسی و عقلی

تشبیه را با توجه به دو رکن اصلی آن؛ یعنی مشبه و مشبه‌به میتوان بررسی نمود و آنرا به انواعی تقسیم‌بندی کرد. برای این تقسیم‌بندی‌ها از سروده‌های قآنی نمونه‌هایی آورده میشود.

تشبیه حسی به حسی

این نوع تشبیه از جمله ساده‌ترین و زودپایترین تصاویر شعری هستند (فتوحی رودممعنی، ۱۳۸۵: ص ۶۳). قآنی شیرازی در اشعار خویش از این نوع تشبیهات بسیار سود برده و بیشترین بخش تشبیهات او از نوع تشبیه حسی به حسی است:

ای دست تو بخشنده‌تر از ابر به مجلس وی تیغ تو رخشنده‌تر از برق به هیجا
(همان: ۴۸)

شاعر در این بیت از دو تشبیه حسی به حسی بهره برده است. بدین ترتیب که در مصراع اول، مشبه دست است که به مشبه‌به یعنی ابر مانند شده است که هر دو سوی آن تشبیه حسی است. نیز در مصراع دوم مشبه و مشبه‌به یعنی تیغ و ابر هر دو از تشبیهات حسی هستند.

زمین گویست درمشتش فلک‌مهری در دوتا چون آسمان پشتش بپیش ایزد یکتا
انگشتش
(همان: ۵۲)

مشبه: زمین // فلک // پشت و مشبه‌به: گوی // مهر // آسمان
در اینجا نیز همه طرفین تشبیه از نوع حسی به حسی هستند.

هر تنی را هست سیم و دانه‌ی گندم به دست مایلم من دانه‌ی خال تو سیم‌اندام را
(همان: ۶۶)

مشبه: خال و مشبه‌به: دانه

وجه شبه: دو سوی این تشبیه یعنی خال و دانه هر دو حسی و محسوس هستند.

از میان ۴۱۰ تشبیه در بیست قصیده مورد مطالعه قآنی ۲۵۲ تشبیه حسی به حسی معادل ۶۱/۴۶ درصد وجود دارد. یعنی بیش از نیمی از تشبیهات را به خود اختصاص داده است.

این مسأله نشان میدهد که قآنی به امور مادی و محسوس توجه بیشتری دارد و این امور را راهی مناسب برای انتقال عواطف و احساسات خود برگزیده است. علاوه بر این، نشان میدهد او انسانی واقع‌گراست که به این جهان بعنوان یکی از پدیده‌های هستی توجه خاص دارد و عناصر و زیباییهای آنرا بعنوان ابزاری در خدمت شعرش درآورده و عواطف خود را با جلوه‌های طبیعی و حسی شکل داده است.

مشبه‌به‌های حسی در تشبیهات حسی به حسی

مشبه‌به‌های حسی در تشبیهات قآنی مثل همه شاعران دیگر، مخصوصاً شاعران طبیعت‌گرا، موادی هستند که بوسیله پنج حس آدمی قابل درک و دریافت‌اند. این مواد، شامل مواد قابل حس بوسیله قوای بینایی، شنوایی، بساوایی، چشایی و بویایی هستند. قآنی بدلیل اشراف کامل بر گنجینه‌های وسیع لغات و تسلط بر ساختن ترکیبات و ابداع تشبیهات، از این پنج حس بشری بخوبی استفاده کرده است. بنابراین تنوع مواد تصویرسازی در تشبیه او بسیار زیاد است. در جدول ذیل استفاده از مشبه‌به‌های حسی را به تفکیک می‌توان ملاحظه کرد:

جدول شماره ۱- مشابه‌های حسی در تشبیهات حسی به حسی

درصد	تعداد	مشابه‌به حسی
۵۱/۵۸	۱۳۰	جلوه‌های طبیعت
۱۸/۶۵	۴۷	اعلام؛ انسان، اسامی و اماکن خاص
۱۵/۰۷	۳۸	ابزار و لوازم زندگی
۵/۵۵	۱۴	خوردنیها
۴/۷۶	۱۲	پرندگان
۴/۳۶	۱۱	حیوانات
۰/۱۰۰	۲۵۲	مجموع

قائنی در ۲۵۲ تشبیه حسی به حسی، از جلوه‌های طبیعت با ۱۳۰ مورد معادل ۵۱/۵۸ درصد، بیشترین استفاده را کرده است. برخی مواد تصاویر جلوه‌های طبیعت که شاعر به آنها اشاره کرده است عبارتند از: ابر، برق، صاعقه، لاله، بیشه، درخت، قطره، باد، آتش، گیتی، خورشید، صبح، شام، آسمان، آفتاب، ماه و ... اعلام، شامل اسامی خاص و نام جای‌ها با ۴۷ مورد معادل ۱۸/۶۵ درصد بعد از جلوه‌های طبیعت بیشترین مشابه به‌های حسی قصاید قاننی را تشکیل می‌دهند. این اعلام شامل اسامی خاص مانند جبرئیل، سلیمان، علی(ع) و ... نام جایها مانند بهشت، چشمه‌ی حیوان، حرم و ... است. نکته مهم در این بخش استفاده فراوان شاعر از اسامی و نامهای اساطیری و حماسی در ساخت تصاویر شعری است. در این میان بویژه اسامی شاهنامه‌ای نقش پررنگی دارند. اسامی چون رستم، سهراب، افراسیاب، بیژن، منیژه، اسفندیار و ... «یکی از وجوه اهمیت شعر قاننی که می‌تواند سبب آشتی همه محققان و علاقمندان ادب فارسی با او شود پشتوانه گسترده‌ی فرهنگی وی بویژه در حوزه اشارات و تلمیحات شاهنامه‌ای است. فراوانی کاربرد و نحوه نمود عناصر و شخصیت‌های ملی - پهلوانی در دیوان او باندازه‌ای نمایان است که خواننده و منتقد شعرش را با این پرسش روبرو میکند که آیا قاننی تعهد و اصراری در برجسته کردن این بخش از زمینه فکری - فرهنگی شعر خویش داشته است.» (آیدانلو، ۱۳۸۷: ۱۳۴)

دیگر موارد مثل ابزار و لوازم زندگی نیز با ۳۸ نمونه معادل ۱۵/۰۷ درصد در مرتبه بعدی قرار دارد. موادی مثل: چراغ، آینه، سلاح، تیر، کمان، کاخ، دیبا، یاقوت، لباس، زنجیر و ... خوردنی‌ها با ۱۴ مورد معادل ۵/۵۵ درصد از دیگر مواد تصویرسازی در مشابه‌های حسی سروده‌های قاننی هستند. خوردنی‌هایی چون: شهد، شکر، قند، شیر، نان، شراب، می. پرندگان نیز با ۱۲ مورد معادل ۴/۷۶ درصد بعنوان مشابه در تشبیهات قاننی دیده میشوند. پرندگانی که او ذکر کرده است عبارتند از: عقاب، خروس، غراب، صعوه، کبوتر، فاخته، باز، مرغ و خفاش. برخی از حیوانات نیز بعنوان مشابه در قصیده‌های مورد بررسی قاننی بیان شده است. حیوانات با ۱۱ مورد معادل ۴/۳۶ درصد کم‌ترین مواد تصویرسازی در تشبیهات حسی در سروده‌های موردنظر بوده است. حیواناتی چون: مار، شیر، ببر، هژیر، کژدم، ناقه، اسب و افعی.

این آمار نشان می‌دهد در جلوه‌های گوناگون طبیعت، امور حسی براحتی، فراوانی و زیبایی یافت میشود بگونه‌ای که شاعر میتواند تصاویر گوناگونی را بیافریند. همانگونه که در قصاید سبک خراسانی بویژه در اشعار فرخی، عنصری و منوچهری مشابه‌های حسی بوفور یافت میشود، در این دوره؛ یعنی سبک بازگشت که درواقع نگاهی به سبک

شعری گذشتگان دارد(خاتمی، ۱۳۷۱: ص ۱۱۲) مشبیه‌های حسی بفرآوانی دیده می‌شود و قآانی نیز بعنوان یکی از بزرگترین شاعران سبک بازگشت از این قاعده مستثنی نیست.

تشبیه عقلی به حسی

در این صورت مشبه امری عقلی و مشبیه به امری محسوس است. عقلی در اصطلاح علم بیان سنتی هر چیزی است که با یکی از حواس خمسۀ قابل درک نباشد. این نوع، رایجترین نوع تشبیه است، زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه در ذهن خواننده است و مشبه عقلی به کمک مشبیه حسی بخوبی در ذهن مجسم و تبیین میشود.(شمیسا، ۱۳۷۹: ص ۲۷)

معمولاً علمای بلاغت موجودات وهمی و خیالی را که وجود خارجی ندارند مانند غول و اهریمن و اژدها و همچنین مسائل وجدانی و درونی را مانند لذت، غم، اندوه و ... در مقوله امور عقلی قرار داده‌اند. چنین تشبیهی نیز در قصاید قآانی نمود زیادی دارد که در زیر به چند مورد از آنها اشاره میشود.

گر صاعقه قهر تو بر کوه بتابد پیکان دمد اندر عوض خار ز خارا
(دیوان قآانی: ۴۸)

شاعر قهر ممدوح را به عنوان امری عقلی به صاعقه که امری محسوس است، تشبیه کرده است.
سحاب عدل را ژاله ریاض شرع را لاله خرد بر چهر او واله روان از مهر او شیدا
(همان: ۵۰)

مشبه: عدل // شرع و مشبیه به: سحاب // ریاض
عدل و شرع به عنوان مشبیه به هر دو از امور عقلی هستند.
ز خوان فضلش اگر توشه‌یی برد عاصی به خوشه‌یی نخرد هفت باغ رضوان را
(همان: ۶۹)

مشبه: فضل و مشبیه به: خوان
فضل ممدوح که امری عقلی است به خوان که امری حسی است مانند شده است.
در قصاید مورد بررسی در پژوهش حاضر این نوع تشبیه با ۱۱۹ مورد معادل ۲۹/۰۲ درصد بعد از تشبیه حسی به حسی در مرتبۀ دوم قرار دارد.

همچنانکه پیش از این بیان شد، غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه در ذهن خواننده است. بر طبق آمار فوق میتوان گفت قآانی هنگامی که امور مجرد و انتزاعی را در شعرش میآورد برای ملموس شدن این مفاهیم آنرا بمشبیه‌های حسی همانند میکند تا مخاطب شعرش بتواند راحتتر آنها را درک کند. پس میتوان گفت شاعر نهایت سعی خود را بر حسی کردن مسائل انتزاعی قرار داده است. در ادامه به بررسی این مشبیه‌های حسی در تشبیهات عقلی به حسی میپردازیم.

مشبیه‌های حسی در تشبیهات عقلی به حسی

مشبیه‌های حسی را که شاعر در تشبیهات عقلی به حسی از آن بهره برده است، میتوان به تفکیک در جدول زیر ملاحظه کرد:

جدول شماره ۲- مشبیه‌بجسی در تشبیهات عقلی به حسی

مشبیه به حسی	تعداد	درصد
جلوه‌های طبیعت	۵۸	۴۸/۷۳
اعلام؛ انسان، اسامی و اماکن خاص	۲۶	۲۱/۸۴
ابزار و لوازم زندگی	۱۸	۱۵/۱۲
خوردنیها	۷	۵/۸۸
پرندهگان	۵	۴/۲۰
حیوانات	۵	۴/۲۰
مجموع	۱۱۹	۰/۱۰۰

همانگونه که مشاهده میشود در این جدول نیز بکارگیری جلوه‌های طبیعت از سوی شاعر برای مشبیه‌های حسی در تشبیهات عقلی به حسی با ۵۸ مورد معادل ۴۸/۷۳ درصد بالاترین رتبه را بخود اختصاص داده است. این درصد نشانگر اهمیت طبیعت و جلوه‌های زیبای آن برای تصویرسازی شاعر است و نشان میدهد که قآانی در حوزه عناصر صورخیال بیش از هر چیز از طبیعت و جلوه‌های آن بهره گرفته است. آوردن اعلام شامل انسان، اسامی و جایهای خاص با ۲۶ مورد معادل ۲۱/۸۴ درصد نیز اهمیت آنرا در سروده‌هایش نشان میدهد. ابزار و لوازم زندگی نیز با ۱۸ مورد معادل ۱۵/۱۲ درصد در رتبه سوم جدول قرار دارد. خوردنیها با ۷ مورد تکرار، معادل ۵/۸۸ درصد و پرندهگان و حیوانات هر کدام با ۵ مورد معادل ۴/۲ درصد به ترتیب در رتبه‌های بعد قرار دارد.

تشبیه حسی به عقلی

در این نوع تشبیه شاعر امری محسوس و ملموس را به امری عقلی و انتزاعی همانند میکنند. شمیسا در مورد این نوع تشبیه مینویسد: «به لحاظ تئوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته باشد، چون غرض از تشبیه این است که بکمک معلومی وضع مجهولی را در ذهن روشن کنیم یعنی بکمک مشبیه‌بھی که در صفاتی اعراف و اجلی و اقوی از مشبیه است حال و وضع مشبیه را توصیف کنیم و بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است. از اینرو در اینگونه تشبیهات شاعر باید خود وجه‌شبهی را که در نظر دارد ذکر کند و بدین ترتیب اینگونه تشبیه همواره مفصل است.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ص ۳۷) قآانی در اشعار خود نمونه‌هایی از این نوع تشبیه را بکار برده است: ای زلف تو تاریکتر از خاطر نادان وی موی تو باریکتر از فکرت دانا (دیوان قآانی: ۴۷)

شاعر در مصراع اول زلف که چیزی محسوس است را بخاطر که امری ذهنی و انتزاعی است مانند کرده و در مصراع دوم موی ممدوح را که امری حسی است در باریکی به فکرت دانا که امری عقلی و انتزاعی است همانند کرده است.

اگر مشاهده خواهی فروغ یزدان را به صدر فضل نگر میرزا سلیمان را (همان: ۶۹)

مشبه: میرزا سلیمان و مشبیه‌به: فروغ یزدان

شاعر میرزا سلیمان را به فروغ ایزدی که امری عقلی است، مانند کرده است.

کامروز بخت خواجه ز من پرسشی نمود زین پس چو بخت خواجه نخواهم شد بخواب (همان: ۹۷)

مشبه: شاعر و مشبه‌به: بخت خواجه

مشبه‌به در اینجا بخت خواجه است که امری عقلی و انتزاعی است. همچنانکه گذشت در این نوع تشبیه شاعر وجه‌شبه را در شعر خود می‌آورد، بعبارتی تشبیه مفصل بکار میبرد، چنانکه در اینجا شاعر وجه‌شبه؛ یعنی به خواب نرفتن را در کلام آورده است.

تشبیه حسی به عقلی ۳۶ نمونه معادل ۸/۷۸ درصد از تشبیهات قصاید قآانی را بخود اختصاص داده است و در جایگاه سوم قرار دارد. این امر نشانگر اینست که شاعر برای نشان دادن عظمت و معنویت و بزرگی امور حسی، آنرا به امور عقلی و انتزاعی مانند میکند؛ زیرا او در مییابد که برای بیان شأن و مقام و بزرگی یک امر حسی، امور حسی دیگر به تنهایی قابلیت توصیف آنرا ندارد؛ یعنی با امور حسی به عمق عظمت آن نمیتوان پی برد. از این روست که امور عقلی را به خدمت میگیرد تا او را به هدفش نزدیک‌تر سازد. (محمدزاده، ۱۳۹۰)

تشبیه عقلی به عقلی

این نوع تشبیه هم قاعدتاً نباید وجود داشته باشد زیرا از مشبه‌به عقلی، وجه شبه روشن و صریحی اخذ نمیشود تا حال مشبه را به کمک آن دریابیم. پس در اینگونه تشبیه هم باید وجه شبه ذکر شود و اگر احیاناً وجه شبه را ذکر نکنند، مشبه‌به عقلی باید در صفتی بسیار معروف باشد. (شمیسا، ۱۳۷۹: ص ۳۸) اینگونه تشبیهات در سروده‌های قآانی بسیار اندک است و در قصاید مورد بررسی تنها سه نمونه داشته است که در ذیل می‌آیند.

مگر که شخص تو تمثال خود ز عقل کشید که ذات پاک تو چون عقل بینظیر آمد
(دیوان قآانی: ۱۶۸)

مشبه: ذات و مشبه‌به: عقل

هر دوی ارکان تشبیه از نوع عقلی است و شاعر وجه شبه را که بینظیری باشد، ذکر کرده است.

خیال بزم تو همچون امل نشاط انگیز هوای رزم تو همچون اجل روان آغال
(همان: ۴۱۰)

مشبه: خیال بزم // هوای رزم و مشبه‌به: امل // اجل

در اینجا نیز مشبه و مشبه‌به هر دو از امور عقلی و انتزاعی هستند و وجه‌شبه در هر دو سوی تشبیه ذکر شده است. این نوع تشبیه با ۳ مورد معادل ۰/۷۳ درصد پایینترین رتبه تشبیهات سروده‌های قآانی را احراز کرده است. که شاید میتواند نشانی از عدم درون‌گرایی شاعر باشد. شاعری که بیش از هر چیز به امور تجربی و مادی توجه میکند و زیاد در بند درونیات نیست چنانکه زندگی شخصی شاعر تصدیق‌کننده همین موضوع است.

تجزیه و تحلیل تشبیهات به اعتبار حسی و عقلی

جدول شماره ۳- انواع تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن طرفین

نوع تشبیه	تعداد	درصد
حسی به حسی	۲۵۲	۶۱/۴۶
عقلی به حسی	۱۱۹	۲۹/۰۲
حسی به عقلی	۳۶	۸/۷۸
عقلی به عقلی	۳	۰/۷۳
مجموع	۴۱۰	۱۰۰

همانگونه که در این جدول مشاهده میشود، تعداد ۴۱۰ تشبیه در بیست قصیده مورد نظر قائلانی وجود دارد که تشبیه حسی به حسی با تعداد ۲۲۵ عدد معادل ۶۱/۴۶ درصد بیشترین نوع را به خود اختصاص داده است و این نشانگر توجه شاعر به جهان بیرون و امور مادی و محسوس است. تشبیه عقلی به حسی با ۱۱۹ عدد معادل ۲۹/۰۲ درصد، تشبیه حسی به عقلی با ۳۶ مورد معادل ۸/۷۸ درصد و سرانجام تشبیه عقلی به عقلی با ۳ عدد و معادل ۰/۷۳ درصد انواع دیگر تشبیهات او را تشکیل می‌دهند.

تشبیه از دیدگاه ادات تشبیه و وجه‌شبه

اگر در ساختار جملات تشبیهی دقت کنیم متوجه میشویم که معمولاً وجه‌شبه را ذکر نمیکنند، زیرا کلام ادبی باید مخیل باشد و اگر وجه‌شبه را ذکر کنند از مایه‌های خیال‌ورزی کاسته میشود. اما اگر تشبیه نو و بکر باشد وجه‌شبه را ذکر میکنند تا تشبیه فهمیده شود. در حقیقت فهمیدن تشبیه درک همین وجه‌شبه‌های پنهانی و ادعایی است. به تشبیهی که وجه‌شبه در آن ذکر نشده باشد تشبیه مجمل و به تشبیهی که وجه‌شبه در آن ذکر شده است، تشبیه مفصل گویند. (شمیسا، ۱۳۷۹: ص ۳۴) همچنین ممکن است در کلام ادات تشبیه ذکر نشود، در این صورت تشبیه را موکد یا کنایت گویند و اگر ادات تشبیه مذکور باشد تشبیه را مرسل یا صریح گویند. (صفا، ۱۳۷۷: ص ۳۹-۴۰)

بر این اساس، ساختار تشبیه به چهار نوع مرسل مفصل، مرسل مجمل، موکد مفصل و موکد مجمل دسته‌بندی میشود. که در ادامه به بررسی هر نوع آنها در قصاید مورد نظر قائلانی پرداخته میشود.

تشبیه مرسل مفصل

تشبیهی است که در آن ادات تشبیه و وجه شبه هر دو ذکر شده باشد.

گاه گریم چون صراحی، گاه خندم چون قدح
گاه بالم چون صنوبر، گاه نالم چون رباب
(دیوان قائلانی: ۸۵)

ادات: چون و وجه‌شبه: گریستن // خندیدن // بالیدن // رباب

در این بیت چهار تشبیه وجود دارد که در همه آنها ادات و وجه‌شبه ذکر شده‌اند.

باز این منم که حجله‌نشینان فکر من
چون روی نوعروسان پر زیب و زیور است
(همان: ۱۱۶)

ادات: چون و وجه‌شبه: زیب و زیور داشتن

شاعر فکر خود را در زیبایی و زینت به چهره نوعروس تشبیه کرده است و ادات و وجه‌شبه را آورده است.

وز پی خدمت چو خادمان به مزارت
بر سر یک‌پای ایستاده صنوبر
(همان: ۲۱۰)

ادات تشبیه: چو و وجه‌شبه: ایستادن

شاعر صنوبر را در ایستادگی به خادمان مرقد حضرت معصومه (س) مانند کرده است و ادات و وجه‌شبه را ذکر کرده است.

تشبیه مرسل مجمل

تشبیهی است که در آن ادات تشبیه ذکر شده باشد اما وجه‌شبه ذکر نشود.

چون تو از مکمن برون آیی به عزم رزم خصم
با تنی چون آسمان و با رخی چون آفتاب
(همان: ۸۶)

مشبه: تن // رخ، ادات: چون // چون و مشبه به: آسمان // آفتاب
شاعر وجه شبه یعنی سفیدی و روشنی را ذکر نکرده و ادات تشبیه را بیان کرده است.
باز این منم که چون که مکرر کنم سخن
اندر مذاق خلق چو قند مکرر است
(همان: ۱۱۶)

مشبه: سخن، ادات: چو و مشبه به: قند
در اینجا سخن از نظر شیرینی به قند تشبیه شده است اما وجه شبه ذکر نشده است.
به آفتاب شبیه است شعر قآانی
عجب نباشد اگر در جهان شهیر آمد
(همان: ۳۱۱)

مشبه: شعر قآانی، ادات: شبیه و مشبه به: آفتاب
شاعر وجه شبه یعنی بلندی و روشنی را ذکر نکرده است.

تشبیه موکد مفصل

در این نوع تشبیه ادات ذکر نمیشود اما وجه شبه در کلام میآید.
زبان او به سخن صارمست خاره شکاف
که بر دو سندس داند پرند و سندان را
(همان: ۷۰)

مشبه: زبان، مشبه به: صارم و وجه شبه: خاره شکاف
ادات تشبیه در اینجا محذوف است.
در گه کوشش هژبر است از زره پوشد هژبر
در گه بخشش سحاب است از سخن گوید سحاب
(همان: ۸۵)

مشبه: ممدوح، مشبه به: هژبر // سحاب و وجه شبه: کوشیدن // بخشیدن
شاعر در مصراع اول ممدوح را در تلاش و کوشش به شیر درنده و در مصراع دوم ممدوح را در بخشندگی به ابر
مانند کرده است اما وجه شبه را ذکر نکرده است.

هوشنگ ملک پرور و جمشید ملک گیر
دارای تاجبخش و خدیو مظفر است
(همان: ۱۱۵)

مشبه: ممدوح، مشبه به: هوشنگ // جمشید // دارا // خدیو و وجه شبه: ملک پروری // ملک گیری // تاجبخشی // ظفر
در اینجا شاعر از چهار تشبیه بهره برده و در هیچ یک از آن ها ادات را نیاورده است.

تشبیه موکد مجمل

تشبیهی است که در آن نه وجه شبه ذکر می شود و نه ادات تشبیه. به عبارت دیگر تشبیهی است که فقط دو رکن
مشبه و مشبه به، به عنوان ارکان اصلی تشبیه ذکر میشود. این نوع تشبیه به جهت رسایی و ظرافت و جنبه ی
خیال انگیزی بیشتری که دارد، تشبیه بلیغ نامیده میشود. «این نوع تشبیه برای کشف پیوند دو طرف تشبیه
مخاطبش را به کوشش وامیدارد و قدرت تخیل او را فعال میکند و با رسیدن به هدف و یافتن پیوند، لذتی مضاعف

برای مخاطب بوجود می‌آورد» (مجد و تویه، ۱۳۹۹). این نوع تشبیه معمولاً به دو صورت بکار میرود: تشبیه بلیغ اضافی، که همان اضافه تشبیهی است و در آن مشبه، به مشبه‌به یا مشبه‌به، به مشبه اضافه میشود. و تشبیه بلیغ اسنادی که در آن صورت دیگر مشبه و مشبه‌به، به یکدیگر اضافه نمیشوند بلکه یک جمله اسنادی بر پایه همانندسازی میان دو چیز شکل میگیرد. نمونه‌هایی از این نوع تشبیهات که در اشعار قانانی با بسامد بیشتری وجود دارد، در زیر آورده میشود:

الا تا نشوه صهبا ز لوح دل فرو شويد / نقوش محنت و غم را بگاه مجلس‌آرائی
(همان: ۶۶۶)

لوح دل، نقوش محنت و نقوش غم تشبیهات بلیغی هستند که مشبه‌به، به مشبه اضافه شده است و شاعر وجه شبه و ادات را ذکر نکرده است.

نهال فکرت قانانی از سحاب معانی / به بوستان سخن گشت در ثنای تو موقر
(همان: ۴۱۲)

مشبه: فکرت // معانی // سخن و مشبه‌به: نهال // سحاب // بوستان
شاعر ادات و وجه شبه را ذکر نکرده است و تنها با آوردن مشبه و مشبه‌به تشبیهات بلیغ ساخته است.
به آب باده غبار دل از پیاله بجوی / که هست در دلت اندک ز روزه گرد ملال
(همان: ۴۳۳)

مشبه: ملال و مشبه‌به: گرد
ملال به گردی مانند شده است که بر روی دل نشست است. وجه شبه و ادات محذوف است.

نتایج تجزیه و تحلیل تشبیه از دیدگاه ادات و وجه شبه

چگونگی به کارگیری انواع تشبیه از نظر ذکر یا حذف ادات و وجه شبه به تفکیک در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۴- انواع تشبیه از دیدگاه ادات و وجه شبه

نوع تشبیه	تعداد	درصد
مرسل مفصل	۹۷	۲۳/۶۵
مرسل مجمل	۴۷	۱۱/۴۶
موکد مفصل	۱۱۸	۲۷/۷۸
موکد مجمل	۱۴۸	۳۶/۰۹
مجموع	۴۱۰	۱۰۰

همانگونه که در جدول فوق مشاهده میشود، تشبیه موکد مجمل (بلیغ) با ۱۴۸ مورد معادل ۳۶/۰۹ درصد بیشترین میزان را بخود اختصاص داده است. این امر نشانگر آنست که قانانی با حذف ارکان فرعی تشبیه؛ یعنی ادات و وجه شبه سعی در خیال‌انگیزتر کردن تشبیهات خود دارد. چراکه از این طریق خواننده را ترغیب به کشف راز و رموز تشبیهات خود وامیدارد. چنانکه شفیعی کدکنی مینویسد: «غرض از تشبیه عینیت بخشیدن به دو چیز مختلف است و چون ادات حذف شود عینیت بصورت محسوس‌تر و دقیق‌تر نمایانده میشود... هم چنین تشبیهی که وجه شبه

در آن یاد نشده باشد و ضمناً ذهن مستقیماً متوجه آن شود، بیگمان رساتر و پرتاثیرتر است. زیرا لذتی که ذهن از مسأله تشبیه و دیگر صورتهای خیالی میبرد، کم و بیش از نوع لذتی است که در کشف و حل مشکلات حاصل میشود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ص ۶۶-۶۹)

تشبیه موکد مفصل با ۱۱۸ مورد معادل ۲۷/۷۸ درصد در مرتبه بعدی قرار دارد. این موضوع نشانگر این است که قآانی برای تفهیم شعرش، درباره رابطه میان دو رکن اصلی تشبیه یعنی مشبه و مشبه‌به بگونه‌ای مفصل توضیح میدهد و برای تأثیر بیشتر آن بر مخاطب از ذکر ادات تشبیه خودداری نمیکند. تشبیه مرسل مفصل با ۹۷ عدد معادل ۲۳/۶۵ درصد در جایگاه سوم است. این ویژگی نیز بیانگر این است که قآانی گاهی بدلیل استفاده از تشبیهات جدید و یا پیچیده تمام ارکان تشبیه را بیان میکند تا کلام فهمیده شود. تشبیه مرسل مجمل با ۴۷ عدد معادل ۱۱/۴۶ درصد کمترین میزان تشبیهات قآانی در بیست قصیده مورد نظر را بخود اختصاص داده است. این موضوع بیانگر آنست که شاعر آوردن ادات و وجه‌شبه را باعث کاهش تأثیر و زیبایی کلام ادبی میداندد.

تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن

طرفین تشبیه یعنی مشبه و مشبه‌به میتوانند مفرد، مقید یا مرکب باشند. مفرد: تصور و تصویر یک هیأت یا یک چیز است. مقید: تصویر و تصور مفردی است که مقید به قید یا صفتی باشد. مرکب: هیأت منتزع از چند چیز است. به زبان امروز تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن توأمان نقش داشته‌اند. (شمیسا، ۱۳۷۹: ص ۴۰) در ادامه با توجه به این نوع دسته‌بندی به بررسی قصاید قآانی میپردازیم:

تشبیه مفرد به مفرد

تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه‌به، هر دو مفرد باشند. منظور از مفرد در اینجا به اصطلاح دستوری نیست، بلکه منظور واحد بودن ارکان تشبیه است. در ذیل نمونه‌هایی از این نوع تشبیه را در سروده‌های قآانی میآوریم.
گر نسیم خلق او در کام ضیغم بگذرد نشنوی از کام ضیغم جز شمیم مشک ناب
(دیوان قآانی: ۸۶)

مشبه: خلق و مشبه‌به: نسیم. هر دو طرف تشبیه مفردند.

با سحاب رحمت جی‌چون شود دریای خشک با شرار خنجرت هامون شود دریای آب
(همان: ۸۶)

مشبه: رحمت // خنجر و مشبه‌به: سحاب // شرار. مشبه و مشبه‌به در هر دو مصراع مفردند.

آن میر حق‌پرست که در گنج معرفت یک تن نیامدست چو او کامل النصاب
(همان: ۹۸)

مشبه: معرفت و مشبه‌به: گنج. هر دو سوی تشبیه یعنی معرفت و گنج مفردند.

این نوع تشبیه در قصاید قآانی بیش‌ترین بسامد را دارد. بگونه‌ای که از میان ۴۱۰ تشبیه در بیست قصیده مورد بررسی قآانی، ۲۵۵ عدد تشبیه مفرد به مفرد معادل ۶۲/۱۹ درصد وجود دارد. این ویژگی نشانگر اینست که در شعرهای او تشبیهات اغلب ساده و مختصر عرضه میشوند و شاعر در بند پیچ و تاب تصاویر شعری خود نیست.

تشبیه مفرد به مقید

در این نوع تشبیه مشبه مفرد و مشبه‌به، مقید به قید یا صفتی میباشد. در ذیل نمونه‌هایی آورده میشود:

زهی دلت به هنر کارنامه‌ی دانش خهی کفت به کرم بارنامه‌ی اقبال
(همان: ۴۳۴)

مشبه: دل // کف و مشبه‌به: کارنامه‌ی دانش // بارنامه‌ی اقبال. دل و کف مفرد و کارنامه دانش و بارنامه اقبال مقید هستند.

گهی چو ناقله‌ی صالح برون دود از کوه گهی چو چشمه موسی روان جهد ز جبال
(همان: ۴۳۵)

مشبه: اسب و مشبه‌به: ناقله‌ی صالح // چشمه‌ی موسی. هر دوی مشبه‌به‌ها از نوع مقیدند.
مگر سراچه‌ی عدلی که در هوای تو تیهو مقام امن نیاید مگر به چنگل باشق
(همان: ۴۱۲)

مشبه: حرم و مشبه‌به: سراچه‌ی عدل. حرم مفرد و سراچه‌ی عدل مقید است.
این نوع تشبیه نیز در قصاید قآنی بسامد زیادی دارد و با ۸۳ مورد معادل ۲۰/۲۴ درصد در جای دوم قرار دارد. از آنجاییکه تشبیه مفرد به مقید بعد از تشبیه مفرد به مفرد از ساده‌ترین نوع تشبیهات است این آمار نشانگر این است که قآنی بیشتر در پی خلق تصاویر ساده است مگر اینکه نتواند از این راه به مقصود اصلی خود برسد.

تشبیه مقید به مقید

جواب دادمش ای آن که رای عالی تو بود معاینه چون آفتاب عالم‌تاب
(همان: ۱۰۴)

مشبه: رای عالی و مشبه‌به: آفتاب عالم‌تاب. که طرفین تشبیه مقید است.
باز این منم که طبع روانم سخن سراسر شیرین کلام من به مثل تنگ شکر است
(همان: ۱۱۵)

مشبه: کلام شیرین و مشبه‌به: تنگ شکر. مشبه و مشبه‌به هر دو مقید است.
آنچه با برگ درختان ابر نروزی کند با تهیدستان کف فیاض فیروزی کند
(همان: ۱۸۳)

مشبه: کف فیاض فیروزی و مشبه‌به: ابر نروزی
شبهه مقید به مقید در قصاید قآنی با ۲۴ نمونه معادل ۴/۶۳ درصد بخش اندکی از تصاویر سروده‌های او را تشکیل میدهد.

تشبیه مقید به مفرد

پیل‌تنان بر فراز اسب چو فرزین از همه جانب میدوند هراسان
(همان: ۵۵۳)

مشبه: پیل‌تنان بر فراز اسب و مشبه‌به: فرزین. مشبه مقید و مشبه‌به مفرد است.
خیال بزم تو همچون امل نشاط انگیز هوای رزم تو همچون اجل روان آغال
(همان: ۴۳۵)

مشبه: خیال بزم // هوای رزم و مشبه‌به: امل // اجل. در هر دو مصراع مشبه مقید و مشبه‌به مفرد است.

به آفتاب شبیه است شعر قآانی عجن نباشد اگر در جهان شهیر آمد
(همان: ۱۶۹)

مشبه: شعر قآانی و مشبه‌به: آفتاب. شعر قآانی مقید و آفتاب مفرد است.
این نوع تشبیه نیز بخشی از کل تشبیهات سروده‌های قآانی را بخود اختصاص داده است. در قصاید مورد بررسی تشبیه مقید به مفرد ۱۹ نمونه معادل ۴/۶۳ درصد را تشکیل داده است.

تشبیه مرکب به مرکب

در این نوع تشبیه مشبه مرکب به مشبه‌به مرکب مانند میشود. در ذیل نمونه‌هایی از این نوع تشبیه آورده میشود:
یک تنه زد بر سپاه کواکب چون شه غازی جریده بر صفت افغان
(همان: ۵۵۲)

مشبه: طلوع خورشید و کنار رفتن ستاره‌ها و مشبه‌به: حمله‌ی شاه غازی و فرار افغان در مقابل او که هر دو سوی تشبیه مرکب هستند.

ماه به ناوردگاه چرخ ز خورشید گشت چو رهام ز اشکبوس گریزان
(همان: ۵۵۲)

مشبه: طلوع خورشید و رفتن ماه و مشبه‌به: حمله‌ی اشکبوس و فرار رهام. مشبه و مشبه‌به هر دو مرکبند.
به چاه ویل بود سرنگون مخالف تو بدان مثابه که در چاه اصفهان دجال
(همان: ۴۳۵)

مشبه: سرنگونی مخالفان در چاه هلاکت و مشبه‌به: سرنگونی دجال در چاه.
این نوع تشبیه با ۲۹ مورد معادل ۷/۰۷ درصد رتبه سوم تشبیهات اشعار قآانی را به خود اختصاص داده است. از آنجائیکه این تشبیه هیأتی منتزع از چند چیز است که حالت تابلویی را دارد، وفور آن در اشعار قآانی میتواند بیانگر اهمیت تصویرسازی در ساختن شعر برای شاعر باشد.

لازم به یادآوری است گونه‌های دیگر تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین؛ یعنی مفرد به مرکب، مرکب به مفرد و مقید به مرکب در بیست قصیده مورد بررسی در این مقاله ملاحظه نشد.

نتایج تجزیه و تحلیل طرفین تشبیه باعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن

میزان بکارگیری انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین، به تفکیک در جدول زیر قابل ملاحظه است:

جدول شماره ۵- تشبیه باعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن

نوع تشبیه	تعداد	درصد
مفرد به مفرد	۲۵۵	۶۲/۱۹
مفرد به مقید	۸۳	۲۰/۲۴
مقید به مقید	۴۴	۵/۸۵
مقید به مفرد	۱۹	۴/۶۳
مرکب به مرکب	۲۹	۷/۰۷
مجموع	۴۱۰	۱۰۰

همانگونه که در جدول فوق مشاهده میشود تشبیه مفرد به مفرد با تعداد ۲۵۵ مورد معادل ۶۲/۱۹ درصد بیشترین میزان را بخود اختصاص داده است. یعنی تصاویری که در تشبیهات قافائی به چشم میخورند، بیشتر از نوع ساده و مفردند. بعد از آن تشبیه مفرد به مقید با ۸۳ مورد معادل ۲۰/۲۴ درصد رتبه دوم را داراست. تشبیه مرکب به مرکب با ۲۹ مورد معادل ۷/۰۷ درصد، مقید به مقید با ۲۴ مورد معادل ۵/۸۵ درصد و مقید به مرکب با ۱۹ مورد تکرار معادل ۴/۶۳ درصد در جایگاه بعدی قرار دارند.

نتیجه‌گیری

میرزا حبیب قافائی شیرازی یکی از بزرگترین شاعران سبک بازگشت ادبی است که دارای قصاید مدحی بسیار و غرامیباشد. آنچه به قصاید او شهرت داده، وصفهای روشن و جاندار با تشبیهات بلیغ و دلنشین است. این مقاله به بررسی تشبیه در بیست قصیده قافائی پرداخته و در پایان نتایج زیر حاصل شد:

از میان عناصر مختلف صورخیال، تشبیه بیش از هر نوع دیگری در قصاید قافائی نمود یافته است. او از این ابزار بیانی بخوبی استفاده کرده و در اشعارش از تشبیهات زیبا و گوناگون سود برده است. حجم بیشتر این تشبیهات از نوع حسی به حسی است که نشان‌دهنده توجه بسیار شاعر به امور مادی و محسوس است. در این تشبیهات حسی، در مشبه‌به‌های حسی نیز قافائی بیش از هر چیز به طبیعت و جلوه‌های گوناگون آن توجه دارد. تشبیهات عقلی به حسی نیز در سروده‌های او بسامد فراوانی دارد که بیانگر این است که قافائی هنگامی که امور مجرد و انتزاعی را در شعرش می‌آورد برای ملموس شدن این مفاهیم آنها را به مشبه‌به‌های حسی مانند میکند تا مخاطب شعرش بتواند راحتتر آنها را درک کند. نکته دیگر اینکه در این تشبیهات، بیش از هر نوعی از تشبیه بلیغ یا موکد مجمل بهره میبرد که میتوان گفت شاعر با حذف ارکان فرعی تشبیه یعنی؛ ادات تشبیه و وجه‌شبه، سعی در خیال‌انگیزتر کردن تشبیهات خود دارد؛ چراکه از این طریق خواننده را ترغیب به کشف راز و رموز تشبیهات خود وامیدارد. نکته آخر در مورد تشبیهات قصاید قافائی، توجه شاعر به تشبیه مفرد به مفرد است که نشانگر توجه شاعر به سادگی و روانی در حوزه صورخیال است.

REFERENCES

- Aidanloo, Sajjad (2008), "The Most Familiar Persian Poet with Shahnameh", Adab Pajouhhi Magazine, Vol. 6, pp. 133-161.
- Ardalan Javan, Ali (2004), Poetic Expression of Myths and Historical and Religious Narratives in Khaghani's Poems, First Edition, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Arianpour, Yahya (2008), From Saba to Nima, Vol. 1, 9th edition, Tehran: Zovar Publications.
- Bahar, Malek-al-Shu'ara (2003), "Qa'ani", Armaghan Magazine, Year 14, Vol. 1, pp. 113-126.
- Ebrahimi, Mokhtar (2003), "A Study on the Imagination of Poetry in the Period of Literary Revival", Journal of Language and Literature, Faculty of Humanities, Semnan University, Vol. 6, pp. 37-54.
- Futohi Rudmoejani, Mahmoud (2006), Image Rhetoric, Tehran: Sokhan Publications.

- Hiri, Nasser (2014), Introduction to the Divan of Hakim Qaani Shirazi, First Edition, Tehran: Golshaei Publications.
- Hosseinalizadeh, Hanieh and others (2005), "Analysis and Investigation of the Manifestations of Semantic Abnormality Based on Leach's Theory in the Poems of Kiyomars Monshizadeh", Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics, Vol. 107, pp. 149-168.
- Khatami, Ahmad (2008), A Study in Indian Style and the Period of Literary Return, 1st edition, Tehran: Baharestan.
- Majd, Omid and Tope, Maziar (2010), "The Diversity of Similarities, the Main Element of the Dynamics of Saadi's Similarities", Quarterly Journal of the Literary Achievements of the Iraqi Period, Vol. 3, pp. 93-105.
- Mohammadzadeh, Morteza (2011), Similarity and Its Materials in Khaqani's Poems, Master's Thesis in Persian Language and Literature, University of Mazandaran, January 2011.
- Pournamdarian, Taghi (2002), Journey in the Fog, 2nd edition, Tehran: Negah Publications.
- Qaani Shirazi, Habib (1984), Divan Hakim Qaani Shirazi, edited by Nasser Hiri, First Edition, Tehran: Golshaei Publications.
- Safa, Zabihullah (1998), A'in Sokhan, Second Edition, Tehran: Qoghnous Publications.
- Safaei, Ebrahim (1957), "Qaani and the Newcomers", Armaghan Magazine, Twenty-Sixth Edition, No. 12, pp. 529-536.
- Shafie-Kadkani, Mohammad Reza (2007), Imagination in Persian Poetry, 11th edition, Tehran: Negah.
- Shamisa, Sirous (2000), Expression and Meaning, 6th edition, Tehran: Ferdows Publications.
- Shams-Lengroudi, Mohammad (2003), School of Return, 1st edition, Tehran: Markaz Publications.
- Shoobakalai, Ali Akbar and Khalili, Ahmad (2011) "Aesthetic Study of Qaani's Razavi Ode", Nasim Jenan; Collection of Articles of the First Razavi Culture Conference, First Edition, Tehran: Ansari Publishing House.

فهرست منابع فارسی

- آرین پور، یحیی (۱۳۸۷)، از صبا تا نیما، ج اول، چاپ نهم، تهران: انتشارات زوار.
- آیدانلو، سجاد (۱۳۸۷)، «آشناترین شاعر ادب فارسی با شاهنامه»، مجله ادب پژوهی، ش ۶، ص: ۱۳۳-۱۶۱.
- ابراهیمی، مختار (۱۳۸۲)، «تحقیقی در صور خیال شعر دوره بازگشت ادبی»، مجله زبان و ادبیات دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، ش ۶، ص: ۳۷-۵۴.
- اردلان جوان، علی (۱۳۷۳)، تجلی شاعرانه‌ی اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- بهار، ملک‌الشعرا (۱۳۳۲)، «قآنی»، مجله‌ی ارمان، سال چهارده، ش یک، ص: ۱۱۳-۱۲۶.

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱)، سفر در مه، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه.

حسینعلی زاده، هانیه و دیگران (۱۴۰۴)، «تحلیل و واکاوی نموده‌های هنجارگریزی معنایی بر اساس نظریه لیچ در اشعار کیومرث منشی زاده»، نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ش ۱۰۷، صص: ۱۴۹-۱۶۸.

خاتمی، احمد (۱۳۷۱)، پژوهشی در سبک‌های هندی و دوره بازگشت ادبی، چاپ اول، تهران: بهارستان.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، صورخیال در شعر فارسی، چاپ یازدهم، تهران: نگاه.

شمس‌لنگرودی، محمد (۱۳۷۲)، مکتب بازگشت، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۹)، بیان و معانی، چاپ ششم، تهران: نشر فردوس.

شوبکلانی، علی‌اکبر و خلیلی، احمد (۱۳۹۰)، «بررسی زیباشناختی قصیده رضویه قآنی»، نسیم جنان؛ مجموعه مقالات اولین همایش فرهنگ رضوی، چاپ اول، تهران: نشر انصاری.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۷)، آیین سخن، چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.

صفائی، ابراهیم (۱۳۳۶)، «قآنی و نوپردازان»، مجله‌ی ارمان، دوره بیست و ششم، ش دوازده، صص: ۵۲۹-۵۳۶.

فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر، تهران: انتشارات سخن.

قآنی شیرازی، حبیب (۱۳۶۳)، دیوان حکیم قآنی شیرازی، تصحیح ناصر هیری، چاپ اول، تهران: انتشارات گلشایی.

مجد، امید و توپه، مازیار (۱۳۹۹)، «تنوع وجه‌شبه، عنصر اصلی پویایی تشبیهات سعدی»، فصلنامه کارنامه متون ادبی دوره عراقی، ش ۳، صص ۹۳-۱۰۵.

محمدزاده، مرتضی (۱۳۹۰)، تشبیه و مواد آن در قصاید خاقانی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، دی ماه ۱۳۹۰.

هیری، ناصر (۱۳۶۳)، مقدمه دیوان حکیم قآنی شیرازی، چاپ اول، تهران: انتشارات گلشایی.

معرفی نویسندگان

احمد خلیلی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
(Email: ahmad_khalili64@cfu.ac.ir)
(ORCID: 0009-0007-4237-3574)

حجت‌الله اسماعیل‌نیا گنجی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
(Email: h.esmaeilnia@nit.ac.ir)
(ORCID: 0009-0000-6148-3411)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ahmad Khalili: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.
(Email: ahmad_khalili64@cfu.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0009-0007-4237-3574)
Hojatollah Esmaeilinia Ganji: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.
(Email: h.esmaeilnia@nit.ac.ir)